

تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)-۲۵

**پناهیان: فلسفه همه رنج‌ها در مسیر مبارزه با نفس، تذلل نفس در برابر خداست / «فناء فی الله» یعنی نهایت ذلت در مقابل خدا / راه میان‌بُر «مبارزه با نفس»، کمک گرفتن از محبت اهل بیت(ع) است / محبت به اولیاء خدا نفس را در مقابل خدا ذلیل می‌کند / اگر محبت عمیق شود، عاشق ذلیل معشوق می‌شود**

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان، شبهای ماه مبارک رمضان در اولین ساعات بامداد(حدود ساعت ۲۴) در مسجد امام صادق(ع)-جنب میدان فلسطین، به مدت ۳۰ شب و با موضوع «تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)» سخنرانی می‌کند و پایان بخش برنامه شبهای این مسجد، دقایقی مداحی و سپس مناجات حجت الاسلام علیرضا پناهیان از ساعت ۱ تا ۱:۳۰ بامداد است. **در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در بیست و پنجمین جلسه را می‌خوانید:**

**هدف مهم مبارزه با هوای نفس، ذلیل کردن نفس در مقابل پروردگار عالم است / «فناء فی الله» یعنی نهایت ذلت در مقابل خدا / فلسفه همه رنج‌ها در مسیر مبارزه با نفس، تذلل نفس در برابر خداست**

- در جلسه گذشته به بحث رابطه محبت با مبارزه با هوای نفس رسیدیم. یکی از اهداف مهم ما در مبارزه با هوای نفس، ذلیل کردن نفس در مقابل پروردگار عالم است. ذلیل شدن در مقابل خدا، به این معنا است که در مقابل کس دیگری کرنش نخواهد کرد. ذلیل شدن در مقابل خدا، تنها راه عزیز بودن در مقابل غیر خدا است.
- ما در هر رکعت نماز، دو مرتبه سجده می‌کنیم و با تمام وجود خم می‌شویم و صورت را روی زمین می‌گذاریم. چنین عبادتی را امروزه در سایر ادیان نمی‌بینیم. ما رسماً سجده می‌کنیم و به آن افتخار می‌کنیم، در حالیکه سجده هیأت بدن آدم را در وضعیت خوبی قرار نمی‌دهد ولی چون این اظهار ذلت در مقابل خدا است ما با افتخار آن را انجام می‌دهیم. ذلت مقابل خدا، مهم است و باید بدان پرداخت.
- «الله اکبر» که در ابتدای نماز است و مهمترین جایی است که باید حضور قلب در آن داشته باشی، باز هم صحبت از کبريایی خدا است و اشاره به ذلتی دارد که ما در مقابل خدا داریم. این مطلب را خیلی باید با خود تمرین کنیم که من باید پیش خدا ذلیل شوم. عرفا از این مطلب با عبارت «فناء فی الله» یاد می‌کنند. فناء فی الله یعنی نهایت ذلت و فروتنی در مقابل پروردگار عالم.
- زشتی کلمه تکبر در مورد خدا وجود ندارد و خداوند رسماً خودش را متکبر معرفی می‌کند. خداوند با ما رابطه کبريایی دارد و ما رابطه ذليلانه با خدا داریم. اولین بیماری‌ای که ما باید در خودمان از بین ببریم، تکبر است و فلسفه همه رنج‌ها و اذیت‌هایی که در مسیر مبارزه با نفس تحمل می‌کنیم، تذلل نهایی نفس است.

**اغلب کسانی که متکبر هستند، باور نمی‌کنند که متکبر هستند / تکبر، روزانه رشد می‌کند و به راحتی نمی‌توان آن را از بین برد**

- مبارزه با تکبر بسیار مهم است، چون ابلیس هم فقط یک‌بار به خدا گفت: نه! خدا در موردش فرمود: او تکبر کرده و جزء کافران است «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره/۳۴). همچنین قرآن در مورد کسی که دعا نمی‌کند، می‌فرماید تکبر کرده است: «وَ قَالَ رَبُّكُمْ اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر/۶۰) (امام سجاده(ع) در شرح این آیه می‌فرماید: فَسَمَّيْتَ دَعَاكَ عِبَادَةً، وَ تَرَكَهُ اسْتِكْبَارًا؛ دعای ۴۵ صحیفه

سجاده) علی‌رغم این تکبری که مورد تصریح قرآن است، اغلب کسانی که متکبر هستند، باور نمی‌کنند که متکبر هستند. به علاوه تکبر، روزانه رشد می‌کند و به راحتی نمی‌توان آن را از بین برد.

### نماز، مهمترین برنامه تربیتی برای از بین بردن تکبر در مقابل خدا است/ با گفتن «خدایا دوستت دارم» نمی‌توان تکبر را از بین برد

- مهمترین برنامه تربیتی برای اینکه انسان تکبری در مقابل خدا نداشته باشد نماز است و مهمترین ذکر نماز، الله اکبر است. با یادآوری کبریایی خدا باید با تکبر خودت مبارزه کنی و الا با قربان صدقه رفتن برای خدا و گفتن اینکه «خدایا من دوستت دارم و ...» نمی‌توان تکبر را از بین برد. یک متکبر باید تکبر ما را از بین ببرد و با تکبر خدا است که تکبر ما از بین می‌رود.

### مهمترین آرزوی فطری انسان بزرگ شدن است/ راه درست بزرگ شدن، اتصال به بزرگ است نه تکبر/ اگر انسان خودش را در نهایت کوچکی ببیند، به بزرگ متصل می‌شود

- مهمترین آرزوی فطری انسان بزرگ شدن است و خدا این علاقه به بزرگ شدن را در وجود انسان‌ها قرار داده است. به حدی که تکبر در مواردی مانند حب مقام ظهور پیدا می‌کند و عده‌ای دنیا و آخرت خود را برای آن می‌گذارند. حب مقام یک جلوه تکبر است ولی آخرین صفتی است که از قلوب صدیقین خارج می‌شود. **درست است که تکبر بد است ولی یک ریشه فطری دارد که منحرف شده است. فطرت الهی ما می‌گوید: «ما می‌خواهیم بزرگ شویم»، ولی اگر عجله کنیم و مسیر غلطی را برای بزرگ شدن انتخاب کنیم، اسم ما متکبر خواهد بود.**
- راه درست برای بزرگ شدن، متصل شدن به بزرگ است؛ به خدای بزرگ. علاقه به کبریایی که در وجود انسان هست، اگر بد و غلط ارضاء شود، تکبر حاصل می‌شود و اگر درست ارضاء شود، «متصل شدن به بزرگ» حاصل می‌شود. اگر انسان خودش را در نهایت کوچکی ببیند، به بزرگ متصل می‌شود. ولی به این راحتی‌ها نیست، خیلی سجده می‌خواهد، خیلی تذلل می‌خواهد.

### پنج قدم برای توجه و تذلل در نماز

- به این ظاهر و هیأت خودت در نماز توجه کن، جسم تو در نماز در چه شرایطی قرار می‌گیرد؟ این خاکساری را ببین! سجده، نوعی ادب است پس آن را درست اجرا کن. در نماز برای اینکه توجه پیدا کنی، قدم اول: توجه به رفتار است، قدم دوم: توجه به گفتار است، قدم سوم: تفکر در گفتار و قدم چهارم: عواطف و محبتی است که به‌طور کلی در اذکار نماز هست، قدم پنجم: عواطف و محبتی است که به‌طور جزئی در هر ذکری از اذکار نماز هست. این توجه در نماز ما را به این جلب می‌کند که در مقابل خدا ذلیل شویم. انسان‌ها که آرزوی بزرگ شدن دارند، راهشان همین است.
- خدا، کبریایی دارد و این کبریایی در قرآن ترسیم شده است. خدا از خودش بسیار تعریف می‌کند و کسی که تکبر داشته باشد، از این کار خدا بدش می‌آید. عده‌ای هستند که از صحبت در مورد تکبر خدا خوششان نمی‌آید، ولی تکبر خدا را نباید در مقابل رحمت خدا دانست، بلکه غضب خدا است که در مقابل رحمت قرار دارد. در مقابل صفت تکبر، صفت دیگری در خداوند متعال وجود ندارد. نمی‌توان گفت خدا هم متکبر است و هم متواضع. خدا اصلاً متواضع نیست و از کبریایی خودش کوتاه نمی‌آید.

## لحظه‌ای نیست که ما از تکبر جدا باشیم/ تکبر ما هم‌روزه است و با نماز روزانه باید آن را به تذلل تبدیل کرد/ تکبر، مادر همه رذائل

- ما می‌خواهیم به ملاقات خدا برویم ولی به ملاقات خدایی بزرگ و متکبر. نماز، هم تمرین و هم تمنای لقاءالله است. ارزشمندترین فعل نماز و اوج نماز، سجده است. مهمترین جای توجه در نماز، «الله اکبر» اول نماز است. رابطه ما و خدا تذلل و تکبر در مقابل همدیگر است. تکبر در وجود ما، هم‌روزه است و باید با نماز روزانه آن را تبدیل به تذلل کنیم. بسیاری از بیماری‌های روحی ما مانند حسادت، بخل، طمع و ..... گاهی هست و گاهی نیست؛ ولی تکبر مشکل همیشگی ما است.
- **محوری‌ترین درخواست همه ما آدم‌ها، بزرگ‌شدن است ولی آن را نمی‌بینیم، مانند ماهی‌ای که می‌پرسید آب کجاست؟ لحظه‌ای نیست که ما از تکبر جدا باشیم. و آن را نخواهیم و در حسرت آن نباشیم. تکبر، مادر همه رذائل است. درجه ذلت ما نزد خدا یکسان نیست ولی خوش به حال کسی که در جمع ما ذلیل‌ترین فرد در خانه خدا باشد.**

باید ذلت پیدا کنیم تا با پروردگار عالم تناسب پیدا کنیم / چگونه می‌شود از «محبت» به «ذلت» رسید؟/ اگر محبت عمیق شود، عاشق ذلیل معشوق می‌شود

- چطور در مسیر مبارزه با هوای نفس، از محبت به ذلت رسیدیم؟ هدف مبارزه با هوای نفس، لقاءالله است. **جلوه کبریایی «الله» (جل جلاله) به همه جلوات مقدم است و ما باید ذلت پیدا کنیم تا با پروردگار عالم تناسب پیدا کنیم؛ باید بی «من» بشویم که همان فناء فی الله است. مهمترین درخواست انسان هم بزرگ شدن است که البته بدون سر و صدا و خاموش است، و تکبر، مرگ بی صدا است. ما آرزو داریم بزرگ شویم و البته نباید بی جا بزرگ شویم و توهم بزرگ داشتن داشته باشیم، یا از راه نامشروع به بزرگ شدن برسیم. این علاقه به بزرگ شدن در وجود ما هست برای اینکه فقط خدا را دوست داشته باشیم.**
- یکی از چیزهایی که ذلت عمیق می‌آورد، محبت است. اگر محبت عمیق شود، عاشق ذلیل معشوق می‌شود. آن محبتی که تو را ذلیل معشوق نمی‌کند، محبت عمیقی نیست، تقلبی است. محبت، عاشق را ذلیل می‌کند تا منت بکشد. محبت، عاشق را آن قدر خوار و خفیف می‌کند که اگرچه لیلی، ظرف او را شکسته و در مقابل جمع او را سرافکنده و ذلیل کرده است می‌گوید: «اگر با دیگرانش بود میلی / چرا ظرف مرا بشکست لیلی؟!»
- وقتی حرم امیرالمؤمنین (ع) رفتی، روح و قلب خودت را در مقابل ایشان تذلل بده. این است که باعث می‌شد حضرت امام (ره) هر روز کنار ضریح امیرالمؤمنین (ع) زیارت جامعه بخواند. ببینید چقدر امام (ره) تذلل خودشان را در مقابل اهل بیت (ع) ابراز می‌کردند.

راه میان‌بُر مبارزه با نفس، کمک گرفتن از محبت اهل بیت (ع) است/ محبت به اولیاء خدا نفس را در مقابل خدا ذلیل می‌کند

- عشق؛ آدم را ذلیل می‌کند. اگر کسی هر چه تلاش می‌کند، نمی‌تواند به خوبی با هوای نفس مبارزه کند، باید بداند که راه میان‌بُر هم وجود دارد. از محبت اهل بیت (ع) باید کمک گرفت. اثر محبت به اولیاء خدا که راحت‌تر از سایر محبت‌ها است، این است که نفس را در مقابل خدا ذلیل می‌کند. چون ما علی بن ابیطالب (ع) را به خاطر خدا دوست داریم و وقتی کسی را به خاطر خدا دوست داریم، مانند این است که خود خدا را دوست داریم (مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ

**اللَّهُ! اِمَالِي صَدُوق/۴۷۶) چون ولی خدا است، او را دوست داریم. وقتی محبت به اهل بیت(ع) تو را ذلیل خدا کند، مبارزه با هوای نفس مثل آب خوردن، راحت می شود.**

**تفسیر اهدنا الصراط المستقیم از زبان امام صادق(ع)/ راه مستقیم، راه محبت و راه اهل بیت است که ما را از تبعیت هوای نفس بازمی دارد / تواضع به اولیاء خدا در سوره حمد**

- پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «بنده‌ای مؤمن نیست جز آنکه مرا بیش از خود دوست دارد و خاندان مرا بیش از خاندان خودش دوست دارد و ذات مرا بیش از ذاتش دوست دارد؛ لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ عِتْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ»(امالی صدوق/۳۳۵).
- امام جعفر صادق(ع) در تفسیر اهدنا الصراط المستقیم، فرمود: «خدایا! ما را به راه راست هدایت فرما، و راهنمائیمان کن که **راهی را برگزینیم که ما را به محبت تو برساند، و ما را از پیروی هوای نفس خود باز دارد**، تا پوچ و تباه نگردیم، راهی که مانع گردد تا بر طبق خواسته خود عمل کنیم و در گرداب نیستی دچار گردیم؛ اُرْسِدْنَا إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ اُرْسِدْنَا لِلزُّومِ الطَّرِيقِ الْمُؤَدِّي إِلَى مَحَبَّتِكَ وَ الْمُبْلَغِ إِلَى دِينِكَ وَ الْمَانِعِ مِنْ أَنْ تَتَّبِعَ أَهْوَاءَنَا فَتَعْطَبَ أَوْ نَأْخُذَ بِأَرَائِنَا فَتَهْلِكَ»(معانی الاخبار شیخ صدوق/۳۳).
- در جای دیگر امام صادق(ع) فرمودند: «راه مستقیم، امیرالمؤمنین علی(ع) است؛ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ(ع)»(تفسیر صافی/۳۸۴/۴ و تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة/۳۱).
- در سوره حمد بعد از تقاضای «ما را به صراط مستقیم راهنمایی کن»، خداوند به اولیاء خودش اشاره می کند تا ببیند حال تو چگونه است؟ وقتی این آیه را می خوانی: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»(حمد/۶) و می گویی «خدایا ما را به راه کسانی که به آن ها نعمت داده‌ای هدایت کن» باید نسبت به کسانی که خدا به آنها نعمت داده، کسانی که هیچگاه گمراه نمی شوند و هیچگاه خدا بر آنان غضب نمی کند، یعنی اهل بیت(ع)، تواضع داشته باشی.
- **عده‌ای هستند که از اینکه خدا به کسان دیگری نعمت داده است، ناراحت می شوند و می پرسند: پس ما چی؟! حُب چرا به ما نعمت ندادی؟! ولی در این آیه قرآن تقاضا می کنیم که خدایا ما را هم به راه کسانی که به آن ها نعمت داده‌ای ببر، نه اینکه نعمت آن ها را به ما هم بده. کسانی که اینطوری دعا می کنند، یعنی تواضع به ولی خدا دارند. وقتی سوره حمد را می خوانید به اولیاء خدا تواضع می کنید. خداوند به راه اولیاء خودش اشاره می کند و به هیچکدام از دیگر صراطها (صراط تقوی، صراط فضایل اخلاقی، صراط همه خوبی‌ها، صراطی که بهشت می دهند و ...) اشاره نمی کند، بلکه می گوید ابتدا از کنار ولی من عبور کن ببینم وضع و حال تو نسبت به برتری ولی من چگونه است؟**

